

ضرورت تحول

سیدنصرت‌الله فاضلی

از مدرسان برنامه‌ی درسی ملی

ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش امری است که تجربه، تعقل و ایمان آن را تأیید می‌کند. ناکارآمدی آموزش و پرورش در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران به حدی است که نارضایتی آن در قول و فعل دانش‌آموزان بروز می‌کند و سودبران آموزش و پرورش، به ویژه خانواده‌ها، بارها آن را بیان و مسئولان جامعه به ویژه مقام معظم رهبری بارها این ناکارآمدی و دلایل آن را یادآوری کرده‌اند. از جمله این که آموزش و پرورش ما برگرفته از دنیای غرب است و مبانی آن با مبانی تربیت اسلامی تعارض دارد و آموزش و پرورش که باید نیروی انسانی جامعه‌ی اسلامی را تربیت کند، نمی‌تواند با آموزه‌های علوم انسانی غرب بنیان شده باشد. تربیتی که دنیای غرب به دنبال آن است، رسیدن به دولت رفاه است. آنان ساخت‌های غیب و شهود و ملک و ملکوت، فیزیک و متافیزیک را به عالم فیزیک و مادی کاهش داده‌اند، ملاک اعتبار علم را کنترل و پیش‌بینی عالم مادی اعلام کرده‌اند و ساخت‌های ارزشی را که عامل شکوفایی استعدادهای بشری است به علوم تجربی تنزل داده‌اند. حال این که در دیدگاه اسلامی انسان و جهان، چندساحتی هستند؛ ساحت حس و خیال و عقل و شهود انسانی و ساحت‌های خلقت ماورای طبیعت. اعتبار دانش نیز شامل اموری نظیر «مطابقت با شواهد عینی»، «سودمندی نتایج»، «سازگاری با منظومه‌ی معرفتی معتبر و معقول» و «اعتبار مرجع» است. با این مقدمه، در این نوشتار قصد داریم به مهم‌ترین بخش‌های اسناد تحولی آموزش و پرورش از جمله برنامه‌ی درسی ملی بپردازیم که معلم، مدیر، معاون و عوامل اجرایی باید از آن آگاه باشند. از خداوند مسئلت داریم ما را در این امر موفق بدارد.

تفاوت میان تربیت و تعلیم و رویکرد اسناد تحولی به این دو امر

رویکرد اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نظام جمهوری اسلامی، تربیت است و تعلیم را در خدمت تربیت می‌داند. تفاوت تربیت و تعلیم در موضوعات مربوط به آن‌هاست. موضوع تربیت هویت انسان است و منظور از هویت در زبان روان‌شناسی، همان شخصیت انسان است و در زبان قرآن کریم همان نفس و شاکله‌ی انسان. صفات، روحیات و خلیقات انسان‌ها متفاوت‌اند. بعضی افراد شجاع و بعضی دیگر ترسو هستند. بعضی افراد عقیف‌اند و بعضی دیگر حیای لازم را ندارند. بعضی افراد اهل احسان و عدالت‌اند و بعضی دیگر خلاف آن. در آموزش و پرورش اسلامی به دنبال آن هستیم که هویت افراد را براساس نظام معیار که اسلام است تعالی دهیم. از این رو تربیت را زمینه‌ساز تعاملی برای تکوین و تعالی فرد می‌دانیم. اما موضوع تعلیم، اشیای خارجی است که فرد باید آن‌ها را یاد بگیرد. ساخت‌ها و ابعادی را که برای حیات طیبه در اسناد تحولی بر شمرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. ساخت تربیت اعتقادی و عبادی و اخلاقی؛
۲. ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی؛
۳. ساخت تربیت زیستی و بدنی؛
۴. ساخت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری؛
۵. ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛
۶. ساخت تربیت علمی و فناوری.

در واقع این ابعاد بیانگر موضوعاتی هستند که مربی و دانش‌آموز در طول آموزش رسمی عمومی باید فرا بگیرند و چون اصل تربیت است، دانش‌آموز در حین یادگیری این موضوعات باید آن‌ها را با نظام ارزشی اسلام تطبیق دهد و تطبیق آن سبب تکوین و تعالی هویت فرد براساس نظام معیار می‌شود. اگر فرد به یاری معلم بتواند شایستگی لازم (صفات+ توانمندی‌ها + مهارت) را در دوران تحصیل برای سازگاری زندگی با نظام معیار^۱ اسلام کسب کند، به حیات طیبه دست می‌یابد. جامعه‌ی صالح از افرادی تشکیل می‌شود که این شایستگی‌ها را کسب کرده‌اند؛ جامعه‌ای که صلاحیت دارد ارزش‌های الهی را تحقق بخشد.

رویکرد شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی

در تدوین برنامه‌ی درسی، روح حاکم در کلیه‌ی امور برنامه‌ی درسی، رویکرد یا جهت‌گیری کلی آن است، یعنی هدف‌گذاری، سامان‌دهی محتوا، ارزش‌یابی، انتخاب مواد و رسانه‌های آموزشی با این رویکرد کلی سامان‌دهی می‌شوند. رویکرد کلی برنامه‌ی درسی

ملی، شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی است.

در انسان‌شناسی اسلامی، انسان در بدو تولد، یک پارچه گوشت نیست، بلکه امیال و جهاز زیستی دارد و علاوه بر آن، دارای گرایش‌ها و شناخت‌هایی است که او را از موجودات دیگر متمایز می‌کند؛ همان‌که در زبان قرآنی به الهام مجوز و تقوا، از آن نام برده شده است.

کلیه‌ی دستورالعمل‌ها و نظام ارزشی نظام تعلیم و تربیت اسلامی برای شکوفا کردن این استعداد است که از آن به فطرت نام برده می‌شود. در واقع پیش‌آمخته‌های دانش‌آموز در سه بخش وراثت، محیط و فطرت، او را متأثر می‌سازند و نظام تعلیم و تربیت باید در خدمت بذر فطرت انسانی باشد تا با شکوفا شدن آن، انسان به واسطه‌ی گرایش جست‌وجوگری فطرت به فضیلت علم، به واسطه‌ی گرایش به عدل و دوری از ظلم به فضیلت اخلاقی، به واسطه‌ی گرایش به زیبایی به فضیلت هنر و به واسطه‌ی گرایش به پرستش به فضیلت توحید برسد.

این‌که دانش‌آموز عدالت معلمی را که میان هم‌کلاسی‌های او به یکسان رفتار می‌کند به‌عنوان مزیت این معلم عنوان می‌کند، قضاوت او براساس پیش‌آمخته‌ی الهی به نام فطرت صورت گرفته است. این‌که دانش‌آموز از بدخطی خودش رنج می‌برد و به خوش‌خطی بغل‌دستی‌اش غبطه می‌خورد واکنش فطری اوست. این‌که معلم در جمع خودشان معلمی را که مهارت بیشتری دارد و الگوی اخلاق است بر دیگران ترجیح می‌دهند، رفتاری فطرت‌گرایانه است. این‌که مؤمن واقعی آرامش دارد و دنیاطلبی انسان را مضطرب می‌کند، نشان از نیاز فطری انسان به ذکر الهی است. اگر تکوین و تعالی هویت موضوع تربیت است، نقطه‌ی عزیمت، حرکت متعالی‌بخش فطرت است و نقطه‌ی پایانی آن، نفس مطمئنه. انسانی که به این مرتبه از حیات طیبه برسد، اولین نشانه‌ی او این است که از زندگی خود رضایت دارد و دیگران هم از او راضی هستند، در موقعیت‌های متعدد که قرار می‌گیرد موقعیت نامناسب را برای خود و دیگران تغییر می‌دهد و از موقعیت مناسب برای رشد و تعالی خود و دیگران استفاده می‌کند. بنابراین موقعیت او فطرت‌مدار است و شایستگی‌هایی که پی‌درپی کسب می‌کند، ریشه در فطرت دارند. پس دانش‌آموز، علاوه بر زبان مادری پیش‌آمخته، زبان فطری خدا آموخته دارد که معیار قضاوت اوست.

موقعیت

یکی از اموری که در سند تحول و برنامه‌ی درسی ملی بر آن تأکید شده، موقعیت است. هدف واسطی و میانی تعلیم و تربیت،

درک و اصلاح مستمر موقعیت خود و دیگران است و معلم موقعیت را برای دانش آموز طراحی و به او کمک می کند تا آن را درک کند و براساس نظام معیار اصلاح و بهبود ببخشد. تفاوت مدرسه با محیط طبیعی و بیرونی در سامان دهی موقعیت هدفمند است. محیط بیرونی و طبیعی یقیناً محیطی است که هر فردی با توجه به شناخت و گرایش و توانمندی خود با آن تعامل دارد و آن را درک می کند و براساس نیاز خود، آن را تغییر می دهد. اما مدرسه با توجه به اهدافی که دارد، موقعیت های خاص را سامان دهی می کند تا دانش آموز با شایستگی هایی که دارد آن را درک کند و هویت عقلانی، علمی، ایمانی و عاطفی خود را تعالی ببخشد. موقعیت نسبت پویا و مشخصی است که فرد با خود، خالق، خلقت و خلق برقرار می کند. میزان تعامل او به شایستگی هایی نظیر عقل و ایمان و علم و عمل و اخلاق بستگی دارد. برای مثال، هنگامی که اذان ظهر از بلندگوی مدرسه پخش می شود، گرایش ایمانی فرد به عنوان یک شایستگی، او را به شرکت در نمازجماعت مدرسه وامی دارد و علم به چگونگی وضو ساختن و نماز خواندن، نوعی شایستگی است که او را بر کسی که آن را نمی داند برتری می دهد. این فرد از شایستگی عقل برخوردار است، به طوری که هنگام نماز، همه ی قوای خود، اعم از حس و خیال را تحت کنترل درمی آورد و با حضور قلب، نماز اقامه می کند و آن هنگام که برای نماز لباس تمیز می پوشد و موی خود را شانه می کند و خود را خوش بو می سازد و با آرامش و وقار نماز می خواند، از شایستگی اخلاق برخوردار است. همه ی این شایستگی ها سبب می شوند که موقعیت ارتباط با خدا را در ساحت الهی به خوبی درک کند و از آن برای تعالی شخصیت و هویت خود بهره ببرد.

در همه ی موقعیت ها معیار درستی عمل، مطابقت آن با نظام معیار، یعنی احکام فقهی است که فقیهان ما آن را تعریف و تبیین کرده اند.

برای تکمیل بحث، موقعیت گزاره ی ۱۴-۱۲-۱ مبانی نظری تعلیم و تربیت رسمی عمومی نظام جمهوری اسلامی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را می آوریم:

«انسان همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد. انسان در طی زندگی خود همواره در موقعیت خاصی به سر می برد. منظور از موقعیت، وضعیت و نسبت مشخص و پویایی است که درک و تغییر آن حاصل تعامل پیوسته ی فرد (به مثابه ی عنصری آگاه، آزاد و دارای اختیار) با خداوند متعال و گستره های از جهان هستی (واقعیت های ماورای طبیعت، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال (مبدأ و منتهای هستی و حقیقتی برتر و فراموقعیت) است.

البته درک و تغییر موقعیت (خود و دیگران) با توجه به آزادی و اختیار آدمی، ممکن است به صورت شایسته انجام پذیرد. در این صورت باید از «درک درست موقعیت خویش و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن» سخن گفت. این تعامل مستلزم اولاً معرفت به خدا و اعتماد به نفس (شناسنده و اصلاح کننده ی موقعیت)، ثانیاً معرفت و باور خداوند (حقیقت برتر فراموقعیت) و ثالثاً کشف و برقراری نسبت عناصر موقعیت با خداوند متعال (مبدأ و مقصد هستی) است. ولی در عین حال، امکان دارد که انسان موقعیت واقعی خود و دیگران (نسبت با خداوند و عناصر هستی در محضر حق تعالی) را به درستی درک نکند یا در تغییر مناسب (بهبود) آن تلاش شایسته را به عمل نیاورد.»^۲

شایستگی های لازم

در سند تحول بنیادین، شایستگی را صفات و توانمندی و مهارت تعریف و قید لازم را با آن همراه کرده اند، یعنی دانش آموز برای دست یابی به مراتبی از حیات طیبیه، باید به شایستگی های لازم دست یابد. شایستگی لازم را نیز به شایستگی پایه و شایستگی ویژه تقسیم کرده اند.

شایستگی پایه را دانش آموز در دوران آموزش عمومی که تا پایان متوسطه ی اول است کسب می کند و شایستگی پایه آن است که دانش آموز هر گاه در جامعه (به عنوان شهروند) یا در خانواده (به عنوان شوهر یا همسر) مسئولیتی را بر دوش بگیرد، باید از ویژگی ها، صفات، توانمندی و مهارت های لازم برای آن برخوردار باشد. نه تنها قادر باشد در زبان نوشتاری فارسی رمزگذاری و رمزگشایی کند، بلکه یکی از زبان های دنیا مثل زبان انگلیسی را بخواند و بشنود (رمزگشایی) و با دیگران صحبت کند و مفاهیم مورد نظر را از طریق این زبان در یک مقاله ی علمی به دیگران انتقال دهد (رمزگذاری)، ولی شایستگی ویژه ی توانمندی و مهارتی است که دانش آموز در دوره ی متوسطه ی دوم که دوره ی نیمه تخصصی است کسب می کند، به طوری که اگر در رشته ی فنی و حرفه ای و کاردانش تحصیل کرده است، بتواند خدماتی را به جامعه ارائه کند و به میزان ارائه ی مهارت و شایستگی در مقابل آن مزد، دریافت کند یا شایستگی ویژه سبب ادامه ی تحصیل او در دانشگاه شود.

در برنامه ی درسی ملی هر مدرک دانش آموزی که از آموزش و پرورش کسب می شود، ملاک و سنجه ی شایستگی های پایه و ویژه ی اوست و نشان می دهد دانش آموز در شایستگی پایه به حدی رسیده است که می تواند در رویارویی با امور فردی و اجتماعی عاقبت اندیشی داشته باشد و با مطالعات لازم و مقایسه و

اگر فرد
به یاری معلم
تواند شایستگی
لازم (صفات)
توانمندی ها +
مهارت را در دوران
تحصیل برای
سازگاری زندگی با
نظام معیار اسلام
کسب کند، به
حیات طیبیه دست
می یابد

تجربه‌ی دیگران، نتیجه‌ی آن را پیش‌بینی کند. این دانش آموخته به شایستگی تعقل دست یافته است و قضاوت او نسبت به مسائل فردی و اجتماعی براساس روش پژوهش و قدرت عقلانی مورد توافق عمومی است.

شایستگی دوم که از دانش آموخته و تربیت‌یافته‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی انتظار می‌رود، ایمان است؛ ایمان به اسلام با همه‌ی شؤونات اعتقادی، عبادی و اخلاقی و درک مفاهیم توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت.

بنابراین دانش آموز به کمک نظام معیار اسلام، شایستگی دوری از گناه و شوق به ثواب الهی و نیز، شایستگی درک رزق و کسب و کار حلال و دوری از حرام را داشته باشد و به آن عمل کند. چنین فردی ملاک ارتباط در مسائل اجتماعی و اقتصادی را اسلام می‌داند و به آن عمل می‌کند.

گاهی تربیت را افزایش دانش شکوفایی هماهنگ استعدادها و تقویت گرایش‌ها و عواطف تعریف می‌کنند.

آنچه که در تربیت گاهی مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد، تقویت گرایش‌ها و عواطف انسانی است. تربیت‌یافته‌ی نظام تعلیم و تربیت باید به این شایستگی برسد که در مقابل انسان‌ها محبت و عاطفه و احساسات خود را ابراز کند و به محبت و احساسات دیگران جواب مثبت دهد و حالت انفعالی نداشته باشد. این که در آداب دینی ما آمده است جواب سلام را به سلام علیکم و جواب سلام علیکم را به سلام علیکم و رحمة‌الله بدهید، برای آن است که این دین به احساسات و عواطف توجه دارد. ایمان واسطه میان علم و عمل است. شناخت همراه احساسات و عواطف به گرایش و باور تبدیل می‌شود. شایستگی سوم علم است و رایج‌ترین آن، علم تجربی. در مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برنامه‌ی درسی ملی، طبیعت و خلقت را فعل خداوند بیان کرده و قرآن را قول خداوند دانسته‌اند. حوزه‌های علمیه وظیفه دارند قول خداوند یعنی قرآن را تبیین کنند. حال این که وظیفه‌ی فهم و درک و تبیین و شناخت و کشف فعل خداوند، یعنی طبیعت و خلقت، وظیفه‌ی مدرسه و دانشگاه است و هر دو از اهمیت برخوردارند؛ یکی به دنبال کشف اراده‌ی الهی در قولش است تا به فهم خطاب محمدی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) برسد و دیگری به علم و قدرت الهی در کشف روابط منظم میان اشیا بپردازد. از این‌رو ما علم غیراسلامی

نخواهیم داشت. علم اگر در پرتو نسبت با خداوند آموخته شود، معرفت نامیده می‌شود که هدف خلقت است. در این شایستگی دانش آموز باید به رمزگشایی و رمزگذاری در علوم متعدد دست یابد که شاید نتوان آن را سواد علمی دانست. عناصر شیمی را بشناسد، خاصیت آن‌ها را درک و قواعد ریاضی را رمزگشایی و آن‌گاه رمزگذاری کند.

نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی علم پیدا کند و با ویژگی‌های نظام مردم‌سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران و اسلام عمیقاً آشنا شود.

شایستگی بعدی که دانش آموز در دوران تحصیل باید به آن برسد، شایستگی پایه‌ی عمل است. به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه‌ی واجبات عمل و محرمات را ترک کند. از همه‌ی ظرفیت‌های وجودی خود برای دست‌یابی به هویت متعادل و یک‌پارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه استفاده کند، مهارت به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی را داشته باشد و از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی هویت حرفه‌ای آینده‌ی خود به‌صورت مولد و کارآفرین برخوردار باشد.

از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه‌ی آن‌ها استفاده کند.

شایستگی اخلاقی

آخرین شایستگی پایه‌ای که هر دانش آموز ایرانی باید از آن برخوردار باشد، اخلاق است. صفات اخلاقی همچون حیا و عفت و شجاعت، خویشتن‌داری، قدرشناسی، نوع‌دوستی، عدالت، قناعت، تکریم والدین و معلم، صدق احسان و حسن خلق، سرمایه‌ی هر فرد موفق در زندگی است. در ارتباط با خود، خالق، خلق و خلقت، باید هیئت و شکل و حالتی را برگزینیم که نیکوترین باشد. این که به ما آموخته‌اند نظیف و تمیز باشیم، خود را همیشه معطر کنیم، لباس ما از وقار لازم برخوردار باشد، با دیگران محترمانه رفتار کنیم، برای مخلوقات هستی و محیط زیست ارزش قائل شویم و علم و عالم و تعلیم و فراگیری را بزرگ بشماریم، همه و همه برای اخلاقی بودن انسان است. این شایستگی آن قدر اهمیت دارد که پیامبر هدف از بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق اعلام کرده است: «بُعِثْتُ لِاتِّمَمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.»

۱. آیت‌الله جوادی آملی (حفظ‌الله‌تعالی) در کتاب مفاتیح‌الحیاء ملاک‌های ارزشی را در موقعیت‌های متعدد بیان کرده‌اند.

مطالعه‌ی آن در این زمینه مفید است.

۲. سامان‌دهی موقعیت بر اساس اهداف تعلیم و تربیت

۳. مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۹-۶۸